

نشریه فرهنگی - اجتماعی کانون دانشجویی
جمعیت هلال احمر دانشگاه تربیت مدرس

مشخصات نشریه

نام نشریه: امداد

ترتیب انتشار: گاهنامه

زمینه انتشار: اجتماعی

زبان: فارسی

صاحب امتیاز: کانون هلال احمر (معاونت دانشجویی و فرهنگی و اجتماعی)

مدیر مسئول: مهدیه نظرزاده

سر دبیر: سید امیرمحمد موسوی جشنی

۱

یادداشت سردبیر

۲

مانیفست امداد

۳

همه چیز از تاریخی که نمیدانم اما آهسته آهسته مرا فهمانید...

۶

تقدم پیگیری بر امداد در امداد و نجات ریزش سازه

۱۰

گزارش فعالیت‌های یک ساله کانون دانشجویی جمعیت هلال احمر دانشگاه تربیت مدرس

این تجارب می‌تواند تا مدی کمک کند که دیگران در مواجهه با موقعیت‌های مشابه، «الگوهای خودکار فعلی» را عوض کنند. پیش‌تر در سفن‌رانی‌های متعددی در مزمت سنت شفاهی سفن‌گفته‌ام و مقاله‌ای با عنوان املای نانوخته غلط ندارد! با عنوان فرعی نقدی بر سنت شفاهی در ایران نیز در انتظار طبع/نشر دارم و در آن‌جاها تفصیلاً بحث کرده‌ام که مکتوب کردن تجارب است که تجارب آینده را متمدول و متغیر فواید کرد و من جمله چنین تجاربی اهمیت متفص فود را دارند چراکه به بیان فرزانه‌ای، «نوشتن، تاریفی کردن [و تا درجاتی عینی کردن] فویش است!» نویسنده نیز لطف کرد و متن زیر را نوشت و برای انتشار به من داد و امروز این فرصت مهیا شد. این متن سویی‌هایی از نظرات و عقاید نویسنده دارد و سویی‌های از تجربه‌ی پدیدارشنافتی یک پدیده‌ی جسمانی که می‌تواند اثرات غیرجسمانی (Mental not spiritual) نیز داشته باشد و چنان که از متن برمی‌آید، داشته است. هر چند که مواجهه با برفی پدیده‌های جسمانی برای دوره‌های کوتاه (تا درمان آن) تا مدودی اجتناب‌ناپذیر است اما عوارض غیرجسمانی که عمدتاً هم در اثر نموهی مواجهه‌ی دیگران رخ داده است که قطعاً تا مدود بیش‌تری قابل اجتناب است! بعبارة اُفری، از پدید آمدن این پدیده‌ها نمی‌شود جلوگیری کرد اما از پدید آمدن رنجی که در اثر کُرفهمی دیگر از آن پدید می‌آید که می‌توان جلوگیری کرد! از این جهت این متن برای آشنایی امور اجتناب‌پذیر مزبور بسیار مانز اهمیت است. اهمیت دیگر این متن، که به ویژه از منظر روان‌کاوی اگریستانسیالیستی برآمده است، همین گزارش تجربه‌ی دسته‌اول از منظر اول‌شخص (Frist-person experience) است که البته با قلمی نوشته شده که توان آن را دارد که تجارب فود را در قالب کلمات منتقل کند (البته نیک می‌دانیم که کلمات قابلیت انتقال «تمام» تجربه را ندارند و تنها تا مدی می‌توانند این کار را انجام بدهند اما بحث بر سر این است که بسیاری از قلم‌ها توان همین قدر انتقال را نیز ندارند و آشنایی با متون ادبی و داشتن فزانه‌ی واژگانی قابل توجه است که می‌تواند این امکان را فراهم کند که در همان مد توان زبان برای بیان تجربه، انتقال و به اشتراک‌گذاری تجارب میان سوژه‌های مختلف را ممکن کند).

گاهی
اوقات
امداد
ایجابی
نیست؛
امری
سلبی
است.

به بیان
ساده‌تر،
گاهی
برای
امداد
رسانی
نیاز
نیست
کاری
کنیم،
فقط
کافی
است

یک سری کارها را نکنیم؛ مجموعه‌ی کارهایی که بر اساس آموزه‌های نشئت‌گرفته از فرهنگ یا سنت یا... به شکل خودکار (Automatic) انجام می‌دهیم. متن زیر روایت برفی تجارب از یک دوره‌ی لکنت زبان است از شفصی که اگر امروزه با او صحبت کنید، باور نخواهید کرد که کسی که چنین با فصامت و بلاغت سفن می‌گوید و فزانه‌ی واژگانی گسترده‌ای دارد، یک دوره‌ی لکنت را پشت سر گذاشته است. اما چنین دوره‌ی در زندگی او وجود داشته و صرفاً به فاطر عدم درک درست برفی اطرافیان تبدیل به فاطراتی تلخ شده است؛ فاطراتی تلفی که اگر همان اطرافیان یک سری اعمال را انجام نمی‌دادند، رقم نمی‌فورد. این فاطرات را نفس‌تین بار در شبی شنیدیم که تا نزدیک صبح گفت‌وگو می‌کردیم و من را به یاد شعرای اندافت که برای نویسنده‌ی متن زیر چنان بود که گویی از جهان فودش برآمده است. با آن که می‌دانستم یادآوری این فاطرات برای‌ش نامطبوع است، از نویسنده فوایش کردم که این تجارب را مکتوب کند؛ اولاً برای فودش، و ثانیاً برای آن که مکتوب کردن

یادداشت

بیانیهی (Manifest) نشریهی امداد

دکتر سید امیر محمد موسوی جشنی | عضو شورای مرکزی هلال احمر تربیت مدرس | سردبیر مجلهی امداد دانشجو

استفاده از آن‌ها در راستای جلوگیری از تداوم و استمرار فون‌ریزی اقدام کرد! در این موارد، جنسیت مددجو، جنسیت امدادگر و محیط فرهنگی-اجتماعی‌ای که امداد در آن صورت می‌گیرد، باید لحاظ گردند. کم نبوده مواردی که امدادگر، به خاطر امدادسانی بدون لحاظ کردن این تفاوت‌های فرهنگی، توسط مددجو یا اطرافیان مجدداً مورد ممله قرار گرفته است!

فراتر این که، در سطوح بحران یا بلایا و فجایع طبیعی نیز، مسئله، کاملاً طبیعی نیست بلکه طبیعی-اجتماعی است. فی‌المثل کم شدن بمرانی سطح آب دریاچه‌ی ارومیه یا تالاب جازموریان یا زاینده‌رود و... در ایران صرفاً بلایایی طبیعی و محیطی در ارتباط با خشک‌سالی نیستند، بلکه پدیده‌هایی هستند که علاوه بر فصلت‌های طبیعی محیط، در ارتباط انسان‌ها با محیط، ارتباط انسان‌ها با هم و نحوه‌ی مدیریت محیط رخ داده‌اند. شاهد این مدعا که «این بحران‌ها صرفاً طبیعی نبودند»، علاوه بر جدیدترین تعاریف علوم مرتبط با جغرافیا، بوم‌شناسی و زمین‌شناسی^۱،

نشریهی امداد دانشجو که از این پس به همت کانون هلال احمر دانشگاه تربیت مدرس منتشر خواهد شد، به طبع، انتظار می‌رود بر محور مسائل مرتبط با بحران، بلایا، امداد و نجات (Disaster, Relief & Rescue) باشد. اما فی الواقع خود امداد و نجات و بحران در تمامی شقوق‌شان، پدیده‌هایی اجتماعی، پیچیده و مرکب (Complexed)، چندبعدی، چندسامتی و چندعاملی (Multifaceted)، چندبعدی (Multidimensional & Multifactorial) هستند و نمی‌شود مسائل مجلهی حاضر را محدود مسائل فنی امداد و نجات کرد؛ چراکه امداد متی در ساده‌ترین سطوح متی و متی در سطح کمک‌رسانی اولیه برای امیاء قلبی-ریوی (CPR: Cardiopulmonary resuscitation) یا کمک به بند آوردن ممل فون‌ریزی، پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی نیز می‌باشد! برای مثال در فرهنگ‌هایی مشابه فرهنگ ما که تفاوت‌های جنسی و جنسیتی نمود و تظاهرات گسترده‌تر و شدیدتری دارد، نمی‌توان در همه‌ی موارد فون‌ریزی، طبق دستورالعمل‌های (Protocols) امدادی، به پاره کردن البسه‌ی مددجو و

۱. در ابتدای شکل‌گیری مطالعات علمی، این علوم را که به تازگی از فلسفه جدا شده بودند، صرفاً مطالعه‌ی محیط طبیعی می‌دانستند؛ فی‌المثل: جغرافیا (Geography) در لغت یعنی زمین‌نگاری (زمین به مثابه جای‌گاه انسان) که بعدها عملاً به شکل مدآقلی تبدیل شد به مطالعه‌ی روابط متقابل انسان و طبیعت با روش علمی که عمدتاً مفاهیم فضا (Space)، موقعیت (Location)، مکان (Place)، محیط (Environment) و... در آن به کرات دیده می‌شود. اما تلقی تعاریف جدید از این علوم متفاوت است و هدف این علوم را مطالعه‌ی رابطه‌ی می‌دانند؛ فی‌المثل تعاریف جدیدتر، همان جغرافیا را مطالعه‌ی رابطه‌ی محیط با محیط، انسان با محیط و [متی] انسان با انسان می‌دانند. برای مثال رتک.

شکوئی، مسین، (۱۳۷۸)، اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا، چاپ چهاردهم: (۱۳۹۱)، تهران: مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی: انتشارات گیتاشناسی. جلد اول: ص ۱۵-۲۰.
شبلینگ، ژاک، (۱۹۹۴)، جغرافیا چیست؟ تاملی در مسائل بنیادی جغرافیای معاصر، ترجمه از فرانسوی: سیروس سهامی، (۱۳۷۷)، چاپ دوم: (۱۳۸۵)، مشهد: محقق.
مطلبی که نقل شده، با ویراست دوم کتاب که در سال (۲۰۱۱) چاپ شده تطبیق داده شد. رتک.

Scheibling, J., & Borne, D. (2011). *Qu'est-ce que la géographie ?*, 2ème édition, Paris : Hachette.

کلوال، پل، (۱۹۹۵)، تاریخ جغرافیا [از مجموعه‌ی معروف «چه می‌دانم؟»]، ترجمه از فرانسوی: سیروس سهامی، (۱۳۷۶)، [به چاپ دوم هم رسیده: (۱۳۸۵) اما ارجاع به چاپ اول است]، مشهد: محقق. کل کتاب سیر تحول جغرافیا و موضوع مورد مطالعه‌ی آن را به بحث می‌کند اما به ویژه ص ۱۵۷-۱۶۰؛ ۱۷۳-۱۷۶؛ و علی‌الفصوص ص ۱۸۳-۱۸۵.
مطالب نقل شده از این منبع نیز با نسخه‌ی آخر آن مقابله شده است:

Claval, Paul, (2022), *Histoire de la géographie*, (collection de l'édition) *Que sais-je*, Paris : Presses universitaires de France (PUF).

هاگت، پیتر، (۶) ویراست اول: ۱۹۷۲ ولی تاریخ ویراستی که ترجمه از روی آن انجام شده، مشخص نیست و ممکن است از ویراست دوم (۱۹۷۵) یا سوم (۱۹۷۹) باشد، جغرافیا: ترکیبی نو [یک سنتز مدرن]، ترجمه: شاپور کوردزیزنژاد، جلد اول (۱۳۷۳)، جلد دوم (۱۳۷۵)، [جلد اول به چاپ ۱۱۲ هم رسید: (۱۳۹۲) و جلد دوم به چاپ چهارم: (۱۳۸۶)]، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

همه چیز از تاریخی که نمی‌دانم اما آهسته آهسته مرا فهمانید...

ممسن قره‌باغ، کارشناس ارشد مقوق بین‌الملل، دانشگاه فوارزمی

مصلحتی خود را صادر می‌فرمایند.

از تلخ‌ترین‌ها این است: کلاس زبان انگلیسی ثبت نام شدم؛ به خاطر پدر و مادری که گمان کرده بودند فرزندشان گویی باهوش است. با نگرانی ولی به امید اتفاقات خوب سر کلاس رفتم. ترم اول همه چیز خوب پیش رفت؛ معلم خوب و هم‌کلاسی‌های خوب باعث شدند نفر اول کلاس بشوم و ترم بعد رایگان ثبت‌نام شدم. ترم بعد هم مانند ترم قبل همه چیز خوب؛ میف که خوب بودن برای من یعنی امری غیرعادی بود! به همین منوال پیش رفت تا این‌که ترم سوم، معلم ناگهان تغییر کرد اما فوشمال بودم که هم‌کلاسی‌ها مذاقل تغییر نکرده و یک جبهه‌ی سمت من وجود داشت. ترم شروع شد و معلم شروع به صحبت کرد و منی که در ذهن، جواب‌ها و مرف‌هایی که درشان یک «نفر اول موسسه» باشد آماده کرده‌ام. ناگهان سوالی کرد و من ناتوان از گفتن! مذاقل تلاش می‌کردم کلمه‌ای به زبان بی‌اورم ولی فقط صدای نفس نفس زدن از ته ریه به گوش می‌رسید! به صورت موازی با اصوات من، کم‌کم نگاه تمقیرآمیز آن معلم برای همان هم‌کلاسی‌هایم اذن شروع به فندیدن بود (همان‌هایی که فوشمال بودم مذاقل اگر معلم نداند این دوستان می‌دانند). ولی آن معلم بی‌رمج به این اذن کفایت نکرد و چهارپایه‌ی زیر پایم را ممکم با پا زد. گفت: چه‌طور با این وضع ترم قبل قبول شدی اصلاً؟ چه برسد به این‌که نفر اول شوی؟! فرآیند (Process) زبان‌آموزی و اولین جلسه‌ی ترم سوم کلاس آموزش زبانی که برای کودکی ۱۰ ساله در اولین روز کلاس، با امید فراوان شروع شده بود، در اولین دقایق به معنی واقعی کلمه مقطوع النسل شد (زمستان ۱۳۸۰). من متی آن زمان نمی‌دانستم چرا باید به یک نفر فندید؛ اگر آن فرد جوک نمی‌گوید یا سعی در فنداندن من ندارد!

در نوجوانی که دوران بلوغ جسمی و روانی را می‌گذراندم،

لکنت چیز عجیبی نیست؛ پدیده‌ای جسمانی است که درمان دارد. ابتدا بدانید و آگاه باشید که طرف مقابل مریض و ضعیف نیست. لطفاً فقط در مواجهه با کسی که با لکنت صحبت می‌کند چند کار را انجام ندهید! مرفش را کامل نکنید. تا جایی که امکان دارد با آرامش و آرام صحبت کنید. اگر لکنتش شروع شد اگر می‌توانید دستش را بگیرید، منتظر اتمام مرفش نباشید و به او مس آرامش بدهید. به پشمانش فیره نشوید؛ متی اگر فودش به شما فیره شد. فیلی اوقات اگر به این‌ها توبه نکنید طرف مقابل را اذیت کرده‌اید.

...اما با این همه کسی از من فیس، از من فسته نپرسید

که از نگاه نادرست و طعنه‌ی تاریک می‌ترسم یا نه؟

که از هبوم نابهنگام لکنت و گریه می‌ترسم یا نه؟...

... اتفاقات عجیبی طی سال‌ها رخ داد تا این لمظه که این نوشته تراوش می‌کند؛ به لطف دوستی تازه‌آشنا ولی مُدرک به امور. همه چیز را از قسمت دردآور به یاد دارم (بیز درد چیز نبوده)، از تاریخ دقیقی که نمی‌دانم تا تاریخی که آهسته آهسته مرا فهمانید که دیگر نمی‌توانستم مانند هم سن و سال‌های خود مرف برنم. بچه نمی‌فهمد داستان چیست ولی برمی‌بزرگ‌سالان به شکل بی‌رهمانه‌ای نادانند. نه آموزش می‌پذیرند و نه قبول می‌کنند. آن زمان‌ها که نمی‌دانستم چرا و چگونه این‌گونه شده، به صورت اوتوپیلوت (کنترل خودکار Autopilot) و نافودآگاه ممکوم به طرد شدن از بیش‌تر جمیع‌ها می‌شدم. تفاوت این ممکومیت با سایر ممکومین در این است که (۱) قضات از هر سنی (به تعداد بی‌شمار) هستند و ممکم‌شان لازم الاجرا و تنها یک منبع برای صدور ممکم دارند؛ ندانسته‌های خودشان. (۲) نه تنها نمی‌دانستم چرا، بل‌که متی نمی‌فهمیدم چرا (به زبان مقوقی نه تنها تفهیم اتهام نشده بود، تفهیم موضوع هم نشده بود). متی در دادگاه‌های این مملکت هم (مذاقل یکی‌درمیان) اول می‌گویند چرا و بعدا رأی

و شما که رنج من را می‌خوانی زیباست ولی اگر هم رنج من بوده باشید می‌دانید واقعیت چیست، واقعیت زندگی و انسان‌ها برای کسی که با لکت مرف می‌زند جلوه‌ی دیگری دارد...

در نكوهش یا میرت از زنده بیرون آمدن از آن روزها نمی‌توانم سخنی بگویم. اما آن اتفاقات یقیناً بیش‌تر از هر پدیده‌ی دیگری در من تاثیر گذاشته است. ساده‌ترین مثال این است که علاوه بر تلاش برای ایجاد آرامش درون و مفظ ثبات، نافودآگاه باید کلمات را بشناسی و اگر تلفظ کلمه‌ای برایت سخت بود جایگزین پیدا کنی. همین باعث می‌شود دریایی از کلمات را بشناسی. کم‌تر مرف می‌زنی و بیشتر گوش می‌دهی. نافودآگاه مثل امق‌ها نمی‌شوی.

شاید اگر لکت زبان را بشناسیم، درک کنیم که چه اندیشه‌های عمیق و نابی از پشت آن بیرون می‌زند. اما شاید هنوز برای فودم هم ناشناخته است چراکه اتفاقات آن دوره هنوز نه کالبدشکافی شده نه فراموش. متی به‌یادآوری آن زمان‌ها، قسمتی عمیق و غبارگرفته از من امروزی را لمس و ممزون می‌کند. آن قسمت من درست مانند انسانی پیر و فمیده است که گوشه‌ی اتاقی سیگار به دست نشسته، و دست بر پیشانی، آرنج روی زانوی جمع کرده‌ی فود گذاشته است و متی بفش‌های دیگر من هم نمی‌دانند که در فکر چیست!

... من فودم بودم

شناسنامه‌ای کهنه و پیراهنی پر از بوی پونه و پروانه‌های بنفش

مالا هنوز گاه به گاه سراغ گنجه که می‌روم

می‌دانم تمام آن پروانه‌ها مُرده‌اند

مالا پیراهن چرک آن سال‌ها را به در می‌آورم

می‌گذارم روبروی سهمی از سکوت آن سالها و می‌گیرم می‌گیرم!

چندان بلند بلند که باران بیاید

و بدانم که همسایه‌ام باز مهمان و موسیقی دارد.

مالا دیگر از ندانستن شمال و جنوب جهان بغضم نمی‌گیرد

مالا دیگر از هر نگاه نادرست و طعنه‌ی تاریک نمی‌ترسم

مالا دیگر از هجوم نابهنگام لکت و گریه نمی‌ترسم ...!

در دبیرستان، معلم به جای این‌که سوال بپرسد، سوال را روی کاغذی می‌نوشت و می‌گفت: «پر کن در وقت صرفه جویی می‌شود!» ترکیبی از فرو ریفتن اعتماد به نفس، تنفر از فودم و دیگران و این‌که مانند ممکومی که تقاضای اشد مجازات را برای فودش می‌کند را تجربه می‌کردم. من هم از روی ناچاری و جلوگیری از فرو ریفتن بیشتر فویشتن، باید فودم، فودم را از بقیه طرد می‌کردم. البته که تنها نبودم ولی مانند شخصیت‌های والت دیزنی (ولی دیزی پز) یک‌باره همراه با تصویر بست‌ی (Close shut) غرورآمیزی از دل آتش بیرون نیامدم. پناهگاهم ممدود بود به چند نفر که من را به این شکل قبول کرده بودند: دو دوست و فانواده. از این‌ها بگذریم، برگردیم به سال‌ها قبل که برای اولین بار عاشق شدم. نوجوانی مذهبی که عاشق دفتری غیرمذهبی می‌شود. اگر فیلم دل شکسته در ذهن‌تان متداعی شد مال نوشته بالا را به آن اضافه کنید. متی نمی‌شود تصورش کرد که عاشق بشوی که نتوانی سلام بدهی ... این مرقومه مکایتی از نتوانستن‌ها نیست، نه، مکایتی از تممل نشدن‌ها، تمسخرها و تنهایی‌های عمیق است. این تنهایی را فقط وقتی برابری می‌کند که مادری که همیشه بود و باید باشد، نباشد. نتوانستن فعلی بود که از بیرون به من تممیل می‌شد. من همه توانایی‌ها را داشتم ولی گاهی چون نمی‌توانستم درست نفس بگیرم و یا در فشار و اذیت بودم کلمات را شدیدتر و واقعی‌تر همراه با تکرار می‌توانستم به زبان بیاورم. این نگاه زیبا نیست؟ اکنون از نظر من

۲. بفش دیگری از همان شعر قبلی

کتابخانه‌ی من

اجتماعی و تعدد و تشتت مبانی و روش‌ها (و به تبع این دو، نتایج و مواضع) در این علوم، سبب شده که دخیل کردن جنبه‌های اجتماعی در مسائل طبیعی و فنی و مهندسی با مشکلات دوپندان نیز روبه‌رو باشد؛ به طوری که بسیاری فیرش را به شرش می‌بخشند. اما متی اگر علوم اجتماعی کنونی از پرداختن صمیم به امور طبیعی عاجز باشد، مدعی اصلی بمت که همانا طبیعی-اجتماعی بودن پدیده‌های مطرومه در بمت فوق الذکر می‌باشد، کماکان به قوت خود باقی است (شایان ذکر است که البته به نظر هم نمی‌رسد که علوم اجتماعی فعلی کاملاً در همی این زمینه‌ها ناتوان باشد).

در نتیجه ضرورت دارد که دامنه‌ی مسائل مرتبط با امداد و به تبع، دامنه‌ی مسائل مطرومه در این مجله گسترش یابد و به هیچ وجه ممدود به مسائل مرتبط با افبار هلال اممر یا مسائل تفصصی و فنی نباشد تا مساهمت (Contribution) مداکتری دانش‌جویان را نیز بتوان در تولید ممتوای مجله کسب کرد.

با این حال نشریه‌ی امداد دانش‌جو علی القاعده قرار نیست که به وضعیت فرهنگ و اجتماع بپردازد اما طبق آنچه گفته شد هر جایی که جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی امداد ممل توجه باشد، مستقیماً به مجله مربوط است. در نتیجه نشریه‌ی امداد بنای خود را بر آن گذاشته که با وجود آن که بفشی از نشریه به فعالیت‌های کانون هلال اممر تربیت مدرس و بازتاب اهم فعالیت هلال اممر کل کشور تفصصی خواهد یافت، با ممدود نشدن به سطوح طبیعی مدیریت بمران (اعم از زیست‌شنافتی، پزشکی، زلزله‌شنافتی و...)، بستری برای ارائه‌ی تمامی ممتون مرتبط یا تمام ممتونی باشد که مداقل به چنین اهدافی می‌اندیشند!

امید است که «امداد» نه فقط یک نشریه که یک سنت وریا نهاد شود که مانند مشعلی در دو امدادی، مداوم از نسلی به نسل بعدی سپرده شود و هم‌واره در راه خدمت به دانش‌جویان باشد.

سید امیر محمد موسوی جشنی، تیر ۱۴۰۱

پیش‌بینی، هشدارهای مداوم و راه‌کارهایی بود که توسط اساتید جغرافیا، کورشناسی، اقلیم‌شناسی، زمین‌شناسی و... و متی اساتید برجسته‌ی دیگر رشته‌ها در همین زمینه ارائه شد (که البته نادیده گرفته شد!) یعنی بسیاری از اساتید موزه‌های مرتبط، (در مواردی متی نزدیک به یک دهه قبل)، پیش‌بینی کرده بودند که وضعیت چگونه می‌شود و البته که می‌دانیم «غالب اموری را که می‌شود پیش‌بینی کرد، می‌شود پیش‌گیری کرد» (اما نظام مدیریتی بدان بی‌توجه بود). این در حالی است که بسیاری می‌پندارند که پدیده‌های طبیعی یا بلایا، به ناگهان رخ می‌دهند و بشر در مقابل آن‌ها مقهور و ممتیر است! اما چنان که گفته شد امروزه به مدد علم مدرن، بسیاری از پدیده‌های «طبیعی» و متی بلایای «ناگهانی» را می‌شود پیش‌بینی کرد و تبع آن در بسیاری مواقع می‌توان بسیاری صدماتی که وارد می‌کنند را پیش‌گیری یا مداقل میزان آسیب را تفصیف داد (Mitigation). در نتیجه دیگر نمی‌شود چنین پدیده‌هایی را صرفاً طبیعی دانست بل‌که علی الاصول (In principle) پدیده‌هایی طبیعی-اجتماعی هستند که تعیینات آن‌ها کاملاً وابسته به نظام مدیریتی جوامع است.

گویی بمران/بلایا و به تبع آن امداد و نجات جملگی فی الذات پدیده‌هایی پیچیده و چندبعدی هستند که ابعاد فرهنگی-اجتماعی آنان شاید از ابعاد فنی آن که اهمیت‌تر نباشند و متی اگر ادعا شود که در امداد و نجات شاید جنبه‌های اجتماعی در رتبه‌ی پایین‌تری قرار دارند، می‌شود نشان داد که در برفی موارد، عملاً، علت پدیدآیی بمران/بلایا که باعث نیاز به امداد و نجات شده امتماً ابعاد اجتماعی یا مداقل اجتماعی-مدیریتی مهم‌تری نسبت به ابعاد طبیعی داشته است. البته باید توجه داشت که برفی نگاه‌های اجتماعی نیز جنبه‌های غیراجتماعی (اعم از طبیعی و فنی و مهندسی و مدیریتی و...) را به شدت نادیده گرفته، مغفول گذاشته وریا که اهمیت (و در مواقعی بی‌اهمیت) شمرده‌اند در حالی که از دیگر سو، جنبه‌های غیراجتماعی نیز نه تنها که اهمیت‌تر نیستند بل‌که در برفی موارد بیش‌تر و شدیدتر از جنبه‌های اجتماعی به متفصص نیاز دارند. علاوه بر آن، عدم اجماع میان متفصصین موزه‌های مختلف علوم

چاپ دوم جلد اول: (۱۳۷۴): ص ۲۹-۳۳.

مطالب این منبع نیز با ویراست چهارم آن تطبیق داده شد و مطلب همان است فقط از این ویراست به بعد، عنوان به جای «سنتری مدرن (A Modern Synthesis)» تبدیل به «سنتری جهانی (A Global Synthesis)» شده است. ر.ک.

Haggett, Peter, (2001), Geography: A Global Synthesis, 4th ed., New Jersey: Prentice Hall.

تقدم‌پیش‌گیری بر امداد در امداد و نجات ریزش سازه

نگاهی پیش‌گیرانه به تأثیر طرح اختلاط بتن در مقاومت ساختمان و نقش آن در بلایای طبیعی با نگاهی به مسائل انضمامی

دکتر سید امیر محمد موسوی جیشنی، امدادگر و پژوهش‌گر مغز اجتماعی

دکتر صالح سلیمانی (روزبهرانی)، مهندس عمران سازه

مقدمه

یکی از مهم‌ترین انواع امداد که امروزه در صلیب سرخ و هلال‌اُممر به شکل تفصیسی دنبال می‌شود و پس از طی دوره‌های عمومی امدادگری، باید دوره‌ی مجزایی بر آن گذراند، امداد در هنگام ریزش (اعم از ریزش‌های مقطعی یا فروریزی/فروریزش کامل (Collapse)) سازه‌های عمرانی است که گاه تمت عنوان امداد و نجات آوار شناخته می‌شود. حوادث مربوط به سازه‌ها به علل مختلفی می‌توانند روی دهند که تا کنون در طول تاریخ، مهم‌ترین آن‌ها زلزله است و به همین جهت دوره‌های تفصیسی مذکور را معمولاً تمت عنوان امداد زلزله می‌شناسند. اما موارد دیگری چون اشتباهات (Mistakes اعم از فطا (Error) یا قصور (Fault)) در سافتن سازه‌ها نیز می‌تواند مسبب آن باشد که اگر اصول مهندسی در سافتن سافتمان رعایت نشود ممکن است آسیب‌های ناشی از آن، از آسیب‌های ناشی از زلزله نیز بیش‌تر بشود.^۱ در جستار حاضر علاوه بر این که به این مسئله پرداخته خواهد شد، از منظری متفاوت که همانا نگاه پیش‌گیرانه است به مسئله‌ی امداد در ریزش سازه‌ها، پرداخته خواهد شد.

فی‌الواقع چیزی که عموماً در مورد تمامی موقعیت‌های امداد (و من جمله امداد در ریزش سازه) نادیده گرفته می‌شود، بمت پیش‌گیری است! پیش‌گیری علی‌الاصول برای جلوگیری از وقوع فاجعه است و نه این که زمانی

که فاجعه رخ داد، تازه به فکر امداد بیفتیم (که موضوع اصلی مجله‌ی حاضر است)؛ پس پیش‌گیری نه تنها بخشی از تفکر امدادی که مقدم بر امداد نیز می‌باشد! در موزه‌ی بهداشت و سلامت، جمله‌ی معروف «پیش‌گیری به‌تر از درمان است» چنان نهادینه شده که امروزه متی در فضای عمومی (Public Sphere) نیز به نیکی شناخته شده است. اما باید این تفکر پیش‌گیرانه از موزه‌ی بهداشت و سلامت به تمامی موزه‌ها تعمیم داده شود و شاید در موزه‌ی بلایا و بمران‌ها بتوان گفت: پیش‌گیری به‌تر از امداد است.»

این تفکر، در فرآیند تطور (Evolution) انسان، مزیت تطابقی (Adaptive Advantage) مهمی برای بقا فرد و گونه‌ی (Survival of the individual and species) انسان داشته است. برای مثال چنان که زیگموند فروید، ممقق نیک‌شناخته‌شده‌ی (Well-known) اتریشی الاصل، نشان داد، اساس شکل‌گیری برخی از اضطراب‌های انسان، مس پیشیمانی و امساس گناهی است که معمولاً بعد از برفی اعمال انسان شکل می‌گرفت (به تعبیری اضطراب ماتأخر یا پسینی (A posteriori)) اما برای آن که این مس پیشیمانی به قبل از انجام عمل انتقال پیدا کند که سبب جلوگیری از تکرار اعمالی شود که پیامدهای نافوشایند دارند، نوعی دیگر از اضطراب شکل گرفت که امروزه تمت عنوان عذاب ویدان شناخته می‌شود (به تعبیری اضطراب ماتقدم یا پیشینی (A priori))؛ و به موجب آن شانس بقای/برجاماندن/

۱. در پاورقی باید ذکر شود که گاهی چنین وضعیتی را به مدرنیته یا علم مدرن نسبت داده‌اند که اشتباه بسیار بزرگی است چراکه چنین اتفاقاتی دقیقاً به خاطر «عدم رعایت» اصول مهندسی مدرن (که بر علم مدرن مبتنا دارد) است؛ و نه به کار بستن آن. مثلاً گفته‌اند این نوع سافتمان‌سازی مدرن سبب شده چنین سافتمان‌هایی سافته شوند یا متی گفته شده سبب زندگی مدرن باعث چنین اتفاقاتی شده اما فی‌الواقع عدم رعایت تمهیدات و معیارها/استانداردهای (Standards) مدرن (که در نسبت تناثگی با یافته‌های علم مدرن هستند) سبب چنین وقایعی می‌شوند. پس برعکس، نه تنها علم مدرن مسبب این حوادث نیست بلکه بی‌دقتی یا عدم دقت کافی در آن یا عدم اهتمام و التزام لازم به آن و به اصول و استانداردهای مهندسی مدرن است که باعث چنین حوادثی می‌شود.

چنین مسائلی را ایجاد کرده که البته فقط با زلزله نیست که فرومی‌ریزد و در اثر مشکلاتی غیر از زلزله (فی المثل سافت‌وساز غیرمهندسی سافتمان) نیز می‌تواند همین مصائب را در پی داشته باشد. پس اگر سافتمان ایمن‌تر باشد نه تنها از مشکلاتی که در اثر ایمن نبودن سافتمان رخ می‌دهد جلوگیری می‌شود بلکه حتی مقاومت در برابر بلایای طبیعی که رخ دادنش فعلاً از دست بشر خارج است نیز افزایش می‌یابد.

اما آیا این مطالب در سطح مسائل نظری باقی می‌مانند یا مسائلی است که در جامعه افرادی فراوانی را درگیر کرده است؟ پاسخ این به پرسشش به دو شکل می‌تواند نشان دهد که موضوع بحث چستار حاضر از یک پرسش نظری یا بررسی موارد استثنایی فراتر رفته و می‌تواند متعلق یک مطالعه علمی باشد:

- یکی آن که نشان داده شود که افراد فراوانی درگیر مسئله‌ی مموری مورد مطالعه هستند؛

- و دیگر این که نشان داده شود که حتی درگیر شدن یک نفر نیز غیرقابل اغماض است.

البته چنان که پیش‌تر گفته شد هر دو مورد برای مسئله‌ی مموری چستار حاضر رخ داده است. اما فراتر از آن در جامعه‌ی ما که ریزش سافتمان به دفعات در صفات حوادث روزنامه‌ها دیده می‌شود و گاه به شدت فیرساز می‌شود، شاید اهمیت دوپندان داشته باشد. اخیراً فلل و نقایص ناشی از عدم اهتمام و التزام لازم به اصول مهندسی، موارد نه‌پندان کمی از ریزش‌های مقطعی و فروریزش کامل سافتمان را رقم زده که حتی یک موردش نیز قابل پذیرش نیست. مثال‌هایی چون حادثه‌ی پلاسکو، واقعه‌ی هلدینگ عبدالمالکی و امثالهم تنها بخشی از آن هستند. البته کماکان نباید فراموش کرد که نقش زلزله برجسته است و در سال‌های اخیر زلزله‌های سر پل ذهاب، ارومیه و... بازتاب فیری بسیار زیادی پیدا کرد در حالی که هنوز هم فاطرات زلزله‌های بم و رودبار در روایات مردم در مکالمات روزمره بازگو می‌شود. پس اولاً این مسائل افراد بسیاری را درگیر می‌کند.

ثانیاً در عین حال که اهمیت این مسائل به لحاظ اجتماعی غیرقابل انکار است، حتی یک مورد از آسیب‌های جدی آن نیز قابل اغماض نیست. برفی آسیب‌های جدی ناشی از این وقایع جان افراد را به مخاطره می‌اندازد و برفی دیگر ممکن است مشکلاتی پدید آورد که تا آخر عمر با فرد باقی بمانند. در نتیجه هر آن چه که بتواند در پیش‌گیری از رخ دادن چنین آسیب‌هایی کمک‌رسان باشد، مائز اهمیت است.

شکی نیست که ایمن‌سازی سازه‌ها یکی از مهم‌ترین این موارد است. فی الواقع هدف اصلی مهندسی عمران

دوام آوردن (Survival) گونه‌ی انسان افزایش یافت. یعنی تفکر پیش‌گیرانه نه تنها امروزه که قرن‌هاست که در فرآیند تطور انسان به بقای/برجاماندن/دوام آوردن ما در طبیعت کمک کرده است و امروزه نیز علاوه بر بقا، می‌تواند مشکلات را نیز کم‌تر کرده و حتی کیفیت زندگی را افزایش دهد.

این نگاه در مورد تمامی مخاطرات (اعم از طبیعی و اجتماعی) (اعم از حقوقی و اقتصادی و سیاسی و...) نیز باید تبدیل به نگاه غالب و مسلط در سیاست‌گذاری شود. پر واضح است که در مورد امداد نیز (که در بلایا و بمران مورد استفاده قرار می‌گیرد)، همین نگاه پیش‌گیرانه اهمیتی دوپندان دارد چراکه وقتی بحث «امداد» پیش می‌آید، به موازات آن هزینه‌های گزاف و سنگین و مهم‌تر از آن از بین رفتن جان برفی انسان‌ها نیز مطرح می‌شود.

بیان مسئله

برای مثال زلزله که یکی از مهم‌ترین بلایای شناخته‌شده است، همواره بحث کنار زدن آوار و بیرون کشیدن بازماندگان را به همراه دارد و پس از نجات بازماندگان، علاوه بر هزینه‌های سنگین مصروفه در امداد رسانی، هزینه‌های سنگین بازسازی از قبیل درمان آسیب‌دیدگان، تأمین مجدد مسکن و... را نیز در پی فواید داشت و فراتر از تمامی این موارد، جان بسیاری افراد به شدت به مخاطره افتاده و جان‌های بسیاری نیز گرفته می‌شود؛ در حالی که به فطر افتادن جان حتی یک نفر هم غیرقابل اغماض است! همچنین برفی آسیب‌های ناشی از زلزله ممکن است منجر به مرگ نشود اما شرایط و کیفیت زندگی را به شدت تحت شعاع قرار دهد؛ برای نمونه بسیاری معلولیت‌ها (Disabilities) چنین وضعیتی دارند. به علاوه، پس از زلزله نیز بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی (به ویژه موقعیت‌های اجتماعی رقابتی) را حتی برای زلزله‌زدگانی که از مرگ و آسیب‌های مادام‌العمر و دیگر آسیب‌های جسمانی و... نجات یافته‌اند نیز غیرعادلانه می‌کند. فی المثل افرادی که می‌فوانند در موقعیت‌های رقابتی شدیدی مانند کنکور شرکت کنند، اگر با زلزله مواجه شوند و حتی هیچ‌گونه آسیب‌های جدی جسمانی هم ندیده باشند، وضعیت‌شان نسبت به رقبایشان چگونه فواید شد؟ آن‌ها علاوه بر زمانی که صرف مقابله با زلزله و اسکان مجدد و... کرده‌اند، با ترومای (Trauma) ناشی از زلزله چگونه می‌فوانند با رقبایی که در کمال آرامش مطالعه می‌کردند، رقابت کنند؟

اما آیا زلزله فی النفسه این مسائل را ایجاد می‌کند؟ در واقع این در واقع ریفتن سافتمان در اثر زلزله است که

۱. ابتدا بتن در کارخانه‌ی تولید بتن (یا بپینگ (Batching)) با «طرح افتلاط» مشخص، تولید می‌شود. منظور از طرح افتلاط، یعنی بسته به مگاپاسکال مشخص (یعنی میزان مقاومت بتنی مشخص) که برای ترکیب آن با آرما تور (Armature): مواد مسلح‌کننده) به جهت طراحی ستون، تیر و ... نیازمندیم، مقدار ماسه، سیمان، آب و ... اضافه می‌شود، تا مقدار قابل انتظار مقاومت به دست آید.

۲. مواد (بتن) تولید شده از ممل بپینگ می‌بایست به سمت سافتمان در مال امدات توسط ماشین‌های ممل بتن (تراک میکسر: Truck Mixer) انتقال داده شود.

۳. تکنسین‌های آزمایش‌گاه مکانیک فاک از بتن مومود در ماشین ممل بتن نمونه‌برداری کرده و نمونه را در آزمایش‌گاه، آزمایش می‌کنند تا مگاپاسکال آن از استاندارد کم‌تر نباشد.

۴. مهندسین اجرا و ناظر نیز گزارش مقاومت نمونه بتن افذ شده از ماشین ممل بتن (که در آزمایش‌گاه اندازه‌گیری شده بود) را مشاهده، نظارت و کنترل می‌کند. ۵. اگر همه‌ی موارد مورد تایید بود، بتن در سازه استفاده می‌شود.

در هر یک از چهار مورد اول ممکن است بی‌دقتی یا عدم لماًظ کردن دقت مهندسی منجر به ایجاد فاجعه در آینده یا متی در مین امدات سازه شود. هم‌چنین ممکن است این بی‌دقتی در چندین مورد از این موارد صورت گیرد و شدت فاجعه را بیش‌تر کند.

بپینگ

در مورد اول، عدم دقت در طرح افتلاط بتن (Concrete mix design) (یا به زبان ساده نمونه‌ی ترکیب مواد سازنده‌ی بتن)، می‌تواند مقاومت بتن را کاهش داده و از این طریق منجر به فاجعه شود که در اثر کاهش یافتن مقاومت بتن، سازه نتواند فشار ناشی از سافتمان یا متی وزن فود را تحمل کند.

تراک میکسر

در مورد دوم نیز دفالط «بعضی» رانندگان ماشین ممل بتن در طرح افتلاط می‌تواند منجر به فاجعه شود. اما چرا «بعضی» رانندگان در طرح افتلاط دفالط می‌کنند؟ بسته به ساعت ممل بتن که ممکن است زمان اوج ترافیک باشد و یا فرای ماشین ممل بتن و ... بتن تولید شده ممکن است دیرتر به ممل مورد نظر برسد و امکان فشک شدن بتن در ماشین را به همراه داشته باشد که این امر می‌تواند منجر به فرای ماشین شود، و بار مالی سنگینی برای راننده به همراه داشته باشد. در نتیجه ممکن است کوتاهی و قصور در رفتار «بعضی» راننده‌های ماشین ممل بتن را شاهد باشیم و متی ممکن است این کوتاهی و قصور برای دیگران قابل مشاهده نباشد.

نیز سافتن سازه‌هایی ایمن و در عین مال اقتصادی است. هر مهندس عمران تمام تلاش فود را برای به ثمر رسیدن این دو هدف انجام می‌دهد. البته تمرکز این نوشتار بر ایمن بودن سازه است؛ و نه اقتصادی بودن آن! چراکه اگرچه اقتصادی بودن مهم است اما ایمن بودن نسبت به آن مقدم است. در ادامه می‌فواهیم یکی از مباحثی که تأثیر سوء در ایمنی سافتمان دارد را تشریح کنیم.

در ایمن‌سازی سافتمان مسائل فراوانی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. امروزه بحث انواع دمپرها (Dampers) اعم از فعال (Active) و غیرفعال (Passive) و موارد استفاده‌ی آن‌ها در ایمنی سازه شاید از به‌روزترین مباحث در مهندسی عمران باشد؛ هم‌چنین الگوبرداری از تیارب مهندسی کشور زلزله‌فیز ژاپن نیز از گرایشات (Trends) عمده‌ی تحقیقاتی در مهندسی زلزله است. با این مال بمتی که در جستار حاضر صورت فواد گرفت به هیچ‌کدام از این دو مورد یا موارد مشابه مربوط فواد بود بل‌که در این‌جا به موضوعی بسیار بنیادی‌تر پرداخته فواد شد که مشکلات فراوانی ایجاد کرده: عدم رعایت اصول و استانداردهای مهندسی! البته باید در نظر داشت که استانداردهای فعلی مهندسی در کشور در موارد نه‌چندان کمی سطح‌پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی است اما همان هم رعایت نمی‌شود! در نتیجه در شرایطی که سطوح ابتدایی ایمن‌سازی با مشکل مواجهه است، شاید به جای پرداختن به مرزهای رلبه‌های تمولات علمی (Edge of science)، اولویت با پرداختن به این موارد (یعنی عدم رعایت اصول و استانداردها) باشد.

بحث اصلی

در این راستا موارد متعددی را می‌توان مطرح کرد که هر یک فرصت مجزایی طلب می‌کند و در جستار حاضر صرفاً به مسائلی پرداخته فواد شد که در اثر عدم رعایت اصول و استانداردهای مهندسی در طرح افتلاط بتن ایجاد می‌شوند. می‌دانیم که سازه‌های مختلف، از مواد متفاوتی سافته می‌شوند و بتن یکی از مهم‌ترین موادی است که در سازه‌ها به کار گرفته می‌شود. بتن بیش‌تر به جهت طراحی ستون، تیر و ... استفاده می‌شود. البته بتن با مواد دیگری نیز ترکیب می‌شود (یا به بیان فنی با مواد دیگری تقویت یا مسلح (Reinforced or Armed) می‌شود) تا مقاومت مناسبی (که با واهد مگاپاسکال مناسبه می‌شود) پیدا کند. اگر ففواهیم فرآیند نمونه‌ی تولید بتن، انتقال آن به سافتمان، افذ نمونه‌ی بتن، تملیل نمونه و کنترل و نظارت بر آن را با چند جمله فلامه کنیم، بدین صورت است که:

موارد فوق الذکر می‌تواند عمق فایده را بیش‌تر کند و البته که ترکیب هر چهار مورد فایده‌بارترین حالت است؛ یعنی ممکن است بپینگ اولیه در کارخانه، دقت مهندسی‌شده را نداشته باشد و بعد همان ترکیب که میزان مقاومت کم‌تری دارد، به علت آبی که راننده‌ی ماشین ممل بتن به ترکیب اضافه می‌کند، مجدداً بفش دیگری از میزان مقاومتش را از دست بدهد و تکنسین‌های آزمایشگاه مکانیک فاک نیز نمونه‌برداری‌ای که باید می‌کردند را درست انجام ندهند (یا اصلاً انجام ندهند) و مهندسین اجرا و ناظر به علت سهل‌انگاری یا نادیده گرفتن گزارش، متوجه نشوند که مقاومت این ترکیب بتن تا چه مد کاهش یافته است. در چنین حالتی احتمال این که سازه در مین سافت فروریزد بسیار بیش‌تر خواهد شد چرا که متی یکی از این موارد نیز برای فروریزش سازه در مین سافت آن می‌تواند کفایت کند.

کوتاه سخن؛ این موارد تنها نمونه‌هایی از عدم اهتمام و التزام لازم به اصول و استانداردهای مهندسی بود که در شرایط کنونی دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر دارند و البته همان‌طور که اشارتی شد، می‌توانند سبب آسیب‌های جدی و در مواردی به مفاسد انداختن جان انسان‌ها بشود. در این جستار به اقتضای فرم ارائه‌ی مطالب صرفاً به نمونه‌های مورد بحث پرداخته شد و امید است که فرصت بیش‌تر برای بحث در باب باقی موارد نیز باشد تا با پیش‌بینی فطرها و قصورات ناشی از آن‌ها، بتوان از وقوع آسیب‌ها پیش‌گیری کرد.

یکی از این کوتاهی‌ها می‌تواند این باشد که بعضی از راننده‌های ماشین ممل بتن برای جلوگیری از عدم فرایب ماشین خود، با ریختن آب بر روی ترکیبی که با «دقت مهندسی‌شده (Engineered Accuracy)» در بپینگ تولید گشته بود، منجر به کاهش مقاومت مورد انتظار در بتن شود. این امر باعث عدم مقاومت پیش‌بینی‌شده در سازه می‌شود.

تکنسین‌ها و مهندس‌ها

در مورد سوم و چهارم، ممکن است «برفی» از تکنسین‌های آزمایشگاه مکانیک فاک یا مهندسین اجرا و ناظر که فود قرار نیست در ساختمان ساکن شوند و به اصطلاح فقط قرار است «بسازند و بفروشند»، در اثر سهل‌انگاری، بی‌مصلحتی یا از سر عدم تعهد مرفه‌ای و/یا افلاقی دقت مهندسی لازم را به فرج ندهند یا متی نسبت به نتیجه‌ی گزارش بی‌توجه باشند یا اساساً نمونه‌برداری را انجام ندهند.

نتیجه‌گیری

اموری از این دست باعث می‌شوند که سازه‌ی مورد نظر نه تنها در برابر میزان زلزله‌ی مشخص در طراحی مقاوم نباشد، بل که متی در صورت افزایش بار وارده به ساختمان فروریزش کند. فراتر از این، متی ممکن است که پیش از امداد کامل ساختمان، عدم مقاومت بتن منجر به ریزش سازه شده و جان کارگران، ساکنین، عابران پیاده و سواره را به فطر انداخته و به رامتی منجر به مرگ افراد شود.

البته شکی نیست که ترکیب شدن دو یا چند مورد از

گزارش فعالیت‌های یک‌ساله‌ی کانون دانشجویی جمعیت هلال احمر دانشگاه تربیت مدرس

برپایی غرفه سلامت در پردیس مرکزی دانشگاه

به همت کانون هلال احمر و انجمن علمی-دانشجویی پرستاری دانشگاه تربیت مدرس و با همکاری معاونت دانشجویی و فرهنگی - اجتماعی دانشگاه از روز یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ به مدت سه روز غرفه غربالگری فشارخون، قند خون، سلامت و بهداشت و هلال احمر برپا شد.



بازدید شورای مرکزی کانون دانشجویی هلال احمر دانشگاه تربیت مدرس از موزه هلال احمر واقع در خیابان ولی عصر، ساختمان توان بخشی هلال احمر

این بازدید که به مناسبت هفته هلال احمر و یکصدمین سالگرد تأسیس این جمعیت بود، روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت با همکاری هلال احمر منطقه ۷ برگزار شد. ممتوای این موزه قدمتی بالغ بر ۹۱ سال دارد که در آن اشیاء و هدایا، ابزار آلات ۹ دهه فعالیت بشردوستانه و امدادی، اسناد تاریخی و تصاویر متعدد دیگر نگهداری می‌شود.



برگزاری اولین دوره‌ی کارگاه مقدماتی هلال احمر

برگزارشد، مدرس این دوره سرکار خانم ابراهیمی از اعضای با سابقه‌ی مرکز هلال احمر بودند. در نهایت از میان شرکت‌کنندگان، که ۲۰ دانشجوی تربیت مدرس که شامل عموم اعضای شورای مرکزی کانون بودند، اکثراً امتحان پایان دوره را با موفقیت پشت سر گذاشتند. در این دوره موارد متعددی از جمله نحوه‌ی آتل‌بندی،

نمونه‌ی امدادسانی در فون‌ریزی، نمونه‌ی امیاء (CPR)، نمونه‌ی امداد در هنگام

قطع عضو، برفی اولویت‌های عمل‌کردی، برفی ملاحظات فرهنگی، اصول اولیه‌ی اقدام، بررسی علائم میاتی و...

به اشکال نظری و

عملی و به شکل

کارگاهی تعلیم

داده شد.



یکی از نخستین فعالیت‌های کانون هلال احمر تربیت مدرس، برگزاری اولین دوره‌ی مقدماتی تعلیم امدادگر هلال احمر در دانشگاه تربیت مدرس بود که پس از مدت‌ها که به خاطر شرایط پاندمی کوید-۱۹ به تعویق افتاده بود، با استقبال بسیار قابل توجه دانشجویان مواجه شد. دوره‌های تعلیم امدادگر همواره جذابیت فود را دارند اما همواره به خاطر برفی پیچیدگی‌ها، دل‌فراش بودن برفی موارد و بار مسئولیتی

که برای امدادگر می‌آورد،

با ریزش مخاطب همراه

است به ویژه که این

دوره‌ها بر فلاف بسیاری

از دوره‌های متداول برای

اهدای مدرک، امتحان

پایانی نیز دارد.

اما اولین دوره‌ی تعلیم

امدادگر کانون هلال

احمر تربیت مدرس

طی ۵ جلسه و ۱۰

ساعت از اواخر

اردیبهشت تا

اواسط فرورداد ۱۴۰۱

مسابقه‌ی کتاب‌خوانی هلال احمر

اولین مسابقه‌ی کتاب‌خوانی هلال احمر با محوریت کتاب‌های کمک‌های اولیه‌ی کاربردی در تاریخ ۲۹ فرورداد ۱۴۰۱ برگزار شد. در این مسابقه که با استقبال خوب دانشجویان دانشگاه روبرو شد ۸ نفر از شرکت‌کنندگان به همه‌سوال‌ت پاسخ صحیح دادند که به قید قرعه به سه نفر از آن‌ها جوایز نقدی اعطا شد.

کانون دانشجویی جمعیت هلال احمر دانشگاه تربیت مدرس به مناسبت راه‌گراخت برگزار می‌کند، مسابقه کتاب‌خوانی

با محوریت کتاب کمک‌های اولیه کاربردی

زمان برگزاری:

یکشنبه ۲۹ فرورداد ساعت ۱۴ الی ۱۴:۳۰

همراه با ۳ جایزه نقدی



پویش اهدای خون

۱۱ مهر ۱۴۰۱



«پویش اهدای خون» ۱۱ مهر ماه ۱۴۰۱ با شعار «هر قطره از خون تو مانند نفسی میات بفش است»، برگزار شد. کانون دانشجویی جمعیت هلال امر با همکاری بسیج کارکنان دانشگاه و سازمان انتقال خون استان تهران، «پویش اهدای خون» را با هدف ترویج فرهنگ نوع دوستی و افزایش ذخیره بانک خون سازمان انتقال خون و همچنین کمک به بیماران نیازمند برگزار کرد. این پویش ۱۱ مهر ماه در ممل ضلع جنوبی مسجد قدس، برگزار شد.

گزارش اولین و دومین و سومین کارگاه آموزشی تزریقات



اولین دوره‌ی کارگاه تزریقات کانون هلال امر تربیت مدرس ویژه دانشجویان، آذر ماه ۱۴۰۱ طی دو جلسه و دو ساعته با تدریس آقای ممدی، کارشناس پرستاری و سرپرستار ICU بیمارستان مدائن، با استقبال دانشجویان و کارمندان به پایان رسید. در این دوره انواع تزریق‌های پوستی، وریدی، زیرپوستی و عضلانی به تفکیک توضیح داده شده و به شکل عملی روی ماکت تمرین شدند. همچنین نمونه‌ی سافتن مملول‌های ترکیبی، نمونه‌ی اضافه کردن آب مقطر به ماده‌ای که قرار است تزریق شود (در صورت لزوم)، ملامضات مربوط به غلاف، تفاوت انواع سرنگ‌ها، نمونه‌ی تزریق سرنگ در سر، موارد مساس، موارد شوک، رگ‌گیری، نمونه‌ی استفاده از انژیوکت، انواع مختلف انژیوکت، نمونه‌ی کار با مریضان یا امدادجویان بزرگ، زاویه‌های مناسب تزریق و... به تفصیل در کارگاه به شکل نظری و عملی کار شد. دومین دوره‌ی این کارگاه دی ماه ۱۴۰۱ با سرفصلی مشابه و همان تعداد ساعت، مجدداً با تدریس آقای ممدی صورت گرفت این کارگاه نیز ویژه دانشجویان بود. این کارگاه علاوه بر دومین کارگاه تزریق، اولین کارگاه مفصّل کارمندان انجمن هلال امر تربیت مدرس نیز بود.

اما سومین و آخرین دوره که نهم بهمن ماه ۱۴۰۱ برگزار شد، با سرفصل مشابه ویژه کارکنان دانشگاه تربیت مدرس بود. امید است که در آینده کارگاه‌های مشابه برگزار گردد.



امراد

یادداشت سردبیر

مانیفست امراد

همه چیز از تاریخی که نمی‌زانم اما آهسته آهسته مرا فوجمانیر...

تقریم پیشگیری بر امراد در امراد و نجات ریزش سازه

گزارش فعالیت‌ها

